

سوره سی و ششم - یس
این سوره در مکه نازل شده و ۸۳ آیه دارد.

به نام خداوند بخشنده مهربان

یا سین. (۱) سوگند بدین قرآن حکمت آموز. که تو از پیامبرانی. بر راهی راست. (قرآن) از جانب خدای نیرومند مهربان نازل شده است. تا بیم‌رسانی گروهی را همچنان که پدرانشان بیم داده شدند و آنها غافل بودند! به تحقیق سخن بر بیشتر آنها ثابت شد و آنها ایمان نمی‌آورند. همانا بر گردن‌هایشان تا زرخ‌ها، غل‌ها و زنجیرها نهاده‌ایم و سرهایشان بی‌حرکت مانده است. و پیش‌رو و پشت‌سرشان سدی قرار داده‌ایم و پرده‌ای بر چشم‌های آنها افکنده‌ایم که نمی‌بینند! چه بیم‌شان دهل چه بیم‌شان ندهی بر آنها یکسان است و ایمان نمی‌آورند! تو تنها کسی را بیم می‌دهی که از قرآن پیروی کند و در نهان از خدای رحمن بترسد. چنین کسی را به آموزش و پاداش نیکو بشارت بده. همانا این مائیم که مردگان را زنده می‌کنیم و کارهایی را که از پیش کرده‌اند، یا آثاری را که باقی گذاشته‌اند، می‌نویسیم و هر چیز را در لوح مبین به شمار آورده‌ایم! (۲ - ۱۲)

برای آنان مردم آن شهر را مثل بزن که وقتی فرستادگانی به سویشان آمدند. هنگامی که دو نفر بر آنها فرستادیم تکذیبشان کردند. با فرستادن رسول سوم آنها را تقویت نمودیم. که گفتند ما فرستاده‌شدگان بر شماستیم. آنها جواب دادند شما جز بشری مثل ما نیستید، و خدای رحمن هرگز چیزی نازل نکرده است شما جز دروغ نمی‌گوئید! گفتند پروردگار ما می‌داند که ما به سوی شما فرستاده شده‌ایم و جز ابلاغ پیام آشکار تکلیفی نداریم. آنها گفتند ما شما را به فال بد گرفته‌ایم. اگر دست بر ندارید حتماً سنگسارتان می‌کنیم و عذاب دردآوری از ما به شما می‌رسد. (رسولان) گفتند اگر درست ببینیدشید فال بد شما از خود شماست. شما گروهی گراف کارید! (۱۳ - ۱۹)

(در این اثنا) مردی از دورترین نقطه شهر شتابان آمد و گفت ای قوم! از رسولان پیروی کنید و کسانی را از شما که مزد و اجرتی نمی‌خواهند تبعیت نمائید که آنها هدایت‌یافتگانند! چرا من نباید کسی را که ایجاد کرده‌ام بیرستم؟ در صورتی که بازگشتتان به سوی اوست. آیا جز او معبودی بگیرم که اگر خدای بخشنده گزندی بر من خواهد شفاعت آنها کاری بر من نسازد و مرا از عذاب نرہاند؟! در این صورت من در گمراهی آشکاری باشم! (ای رسولان!) من به پروردگار شما ایمان آوردم. گفته شد به بهشت درآی. گفت ای کاش قوم من می‌دانستند که چگونه پروردگارم مرا آمرزید و از کرامت‌یافتگانم قرار داد! (۲۰ - ۲۷)

ما از پی او سپاهی بر قومی فرستادیم که ما فرو فرستنده سپاه نبودیم! عقوبت آنها جز یک صیحه نبود که همه جان سپردند! ای دریغا بر این بندگان! که هیچ پیامبری به سویشان نیامد مگر آن که او را استهزاء کردند! آیا ندیدید که پیش از ایشان چه نسل‌ها را هلاک کرده‌ایم که هرگز به سوی اینان بازنگردند، و جملگی آنها در پیشگاه ما حاضر گردانیده شدگانند! (۲۸ - ۳۲)

و زمین مرده آیتی است برای آنها. که زنده‌اش کردیم و از آن دانه رویانیم که از آن می‌خورند. و در آن باغی از نخل و انگور قرار دادیم و چشمه‌ها جاری ساختیم. تا از میوه‌اش و آن چه که حاصل دسترنج‌شان است بخورند. چرا شکر این نعمت‌ها به جای نمی‌آورند؟ پاک و منزّه است آن که همه جفت‌ها را آفرید، چه از آنهایی که در زمین می‌رویند، و چه از نفوس خود انسان‌ها، و چیزهایی که نمی‌دانند! (۳۳ - ۳۶)

و شب آیتی است بر آنها، که بیرون می‌کشیم از آن روز را و ناگهان در تاریکی فرو می‌روند. و خورشید به سوی قرارگاهی که بر آن مقرر شده روان است. این نظم خدای بی‌همتای داناست! و برای ماه منزلی مقرر کردیم (هلال و بدر) تا وقتی بازگردد همچون شاخهٔ درخت خرما یباریک و خشک شود. نه خورشید را سزد که ماه را دریابد و نه شب از روز پیشی گیرد. هر یک در فلک و مدار ی شناورند! (۳۷ - ۴۰)

و آیت دیگر بر آنها این که ما دُرّیه‌شان را در کشتی گرانباری برداشتیم! و بر آنان از مثل آن که سوار می‌شوند آفریدیم. و اگر بخواهیم آنها را غرق کنیم نه برای آنان فریادرسی باشد و نه رهایی یابند! مگر رحمت ما آنها را نجات دهد و تا وقت معین بر خورداری بخشد. و چون بر آنها گفته شود که از گذشته و آیندهٔ خویش بترسید باشد که مورد رحمت‌الهی قرار گیرید. و هیچ آیتی از آیات پروردگارشان بر آنها نمی‌آید جز آن که از آن روی‌گردان بودند! (۴۱ - ۴۶)

و چون به آنها گفته شود از آن چه خدا به شما روزی داده در راه او انفاق کنید کافران به مؤمنان گویند آیا کسی را، که اگر خدا می‌خواست طعامش می‌داد، ما طعام دهیم؟ شما جز در گمراهی آشکاری نیستید! و گویند این وعده (قیامت) کی خواهد بود اگر راست می‌گویند؟ انتظار نمی‌کشند مگر صبحهٔ واحده‌ای را، که ایشان را در حالی که با هم خصومت می‌کنند فرا گیرد! که نه توانند وصیتی کنند و نه توانند به سوی کسان خود بازگردند! (۴۷ - ۵۰)

و چون در صور دمیده شود ناگهان همه از قبرها به سوی پروردگارشان بشتابند. گویند وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ (گفته شود) این است آن چه خدای بخشنده به ما وعده کرده بود و پیامبران راست گفته بودند. این جز یک صبحه نباشد و آنگاه همه در پیش ما حاضر آیند. (۵۱ - ۵۳)

در این روز بر کسی هیچ ستم نشود و جز بدان چه کرده‌اید پاداش نیابید. همانا اهل بهشت در آن روز به کاری شادمانند. آنان و همسرانشان در سایه‌ها بر تخت‌های آراسته تکیه زده باشند و در آنجا بر آنان میوه‌ها و هر آن چه خواهند آماده باشد. و سلامی از قول پروردگار مهربان! (۵۴ - ۵۸)

ای گناهکاران! امروز (از مؤمنان) جدا شوید! ای بنی‌آدم! مگر با شما پیمان نبستیم که شیطان را نپرستید که او دشمن آشکار شماست! و مرا پرستید که راه راست این است. همانا شیطان گروه زیادی از شما را گمراه کرد آیا در نیافتید؟ این همان دوزخی است که به شما وعده داده شده بود. اکنون به سزای آن ناسپاسی که کردید بدان در آئید! امروز بر دهن‌های آنها مهر می‌نهمیم و دست‌هایشان با ما سخن گوید و پاهایشان بدان چه کرده بودند شهادت دهند! اگر بخواهیم دیدگان‌شان را می‌پوشانیم پس چون آهنگ راهی کنند چگونه آن را ببینند! و اگر بخواهیم آنان را در جایشان مسخ می‌نمائیم که پیش رفتن و بازگشتن نتوانند! (۵۹ - ۶۷)

هر که را عمر دراز دهیم در خلقت نگونسارش گردانیم^۱ آیا تعقل نمی‌نمائید! ما او (محمد) را شاعری نیاموختیم و (شعر گفتن) سزاوار او نیست بلکه آن چه می‌گوید جز ذکر الهی و قرآن روشن نمی‌باشد! تا هر که را زنده است بیم دهد و عذاب بر کافران واجب آمد! آیا نمی‌بینید که ما با دست خویش برای آنان چهارپایان آفریدیم که مالک آنهایند؟ و آنها را برایشان رام ساختیم که برخی را سوار می‌شوند و از (گوشت و شیر) برخی می‌خورند و

۱. هر چه عمر آدمی زیاد شود قوتش ب هضعف و طراوتش به پژمردگی گراید و حافظه‌اش به کودنی رو نماید!

در آن منافع و نیز آشامیدنی‌ها دارند. چرا شکرگزار این نعمت‌ها نیستند؟! و به جز خدا معبودان دیگری می‌گیرند که شاید آنها را یاری دهند. آنها یاری کردن ایشان نتوانند و خود اینها برای آنها لشکر آماده‌ای می‌باشند! (۶۸ - ۷۵)

(ایرسول) گفته آنها تو را محزون نسازد که ما آن چه را که پنهان و آشکار کنند می‌دانیم. مگر انسان نمی‌بیند که ما او را از نطفه‌ای آفریدیم؟ پس ناگهان او دشمن آشکاری گشته است و بر ما مثلی زند و آفرینش خود را از یاد ببرد و گوید استخوان‌های پوسیده را چه کسی زنده خواهد کرد؟ بگو آن کس که بار اول آن را آفرید همو وی را باز زنده می‌کند و او به هر آفرینشی داناست. خدائی که برای شما از درخت سبز آتش پدیدار کرد که از آن می‌افروزید! آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده توانائی آن را ندارد که مثل آنها بیافریند؟! بلی! و او آفریدگار داناست! همانا کار او، وقتی چیزی را اراده کند، فقط این است که بگوید "باش" و "می‌شود"! پس منزّه است آن که فرمانروائی کل امور به دست اوست و شما به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۷۶ - ۸۳)